



## واکاوی ابعاد گوناگون مکتب سمبولیسم در ادبیات و هنر

فرانک فخر

دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات عرفانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

### چکیده

نمادگرایی یا سمبولیسم یکی از مکتب‌های ادبی و هنری در جهان است. این مکتب در پایان قرن نوزدهم متولد و شارل بودلر پیشگام این راه شد. سمبولیسم را می‌توان بیان هنر و افکار و عواطف غیر از رک‌گویی و به کار بردن انواع تشبیه و مضامین ملموس و عینی به تصویر کشید. برای تحقق این امر استفاده از نمادها بدون زیاده‌گویی و توضیح و شرح هنرنمایی و جلوگیری می‌کنند. رموزها نمادها به دو گونه پراکنده مانند غزلیات مولانا و کلی مانند داستان‌های رمزی که به تأویل و تفسیر و اندیشه نیازمند است، به کار می‌روند مانند آثار سهروردی در مقاله پیش‌رو مکتب سمبولیسم از ابعاد گوناگون عرفان و نور و رنگ و سنت‌گرایی و ادبیات و شعر معاصر و سمبولیسم اجتماعی، مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است. انتظار سمبولیسم از هنر و هنرمند و مخاطب هنر این است که در مواجهه با اشیاء و محیط فقط به نگرستن اکتفا نکنند و به جستجوی ارزش و نکته ژرف‌تر از یک نگاه سطحی باشند و با سلاح واکاوی و پرسش‌گری و ژرف بینی نماد واقعی را کشف و ضبط نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** نماد، رمز، مکتب، هنر، سمبل، سمبولیسم



## مقدمه:

اصل کلمه سمبول *symbole* (نماد)، سوم بولون *sumbolon* یونانی است به معنی به هم چسباندن دو قطعه مجزا که از فعل سومبالو *sumballo* (می پیوندم) مشتق است. و حاکی از چیزی است که به دو قسمت شده باشد. مثلاً تصور کنیم به دو نفری که همدیگر را می شناسند نیمه‌ای از یک اسکناس را که به طور نامنظم دوپاره شده باشد، بدهند، تطبیق آن دوپاره‌ی اسکناس به آن‌ها امکان نمی‌دهد که همدیگر را بشناسند و به هم اعتماد کنند. اما با گذشت زمان، برداشت از کلمه سمبول پیچیده‌تر شده است.

از تعاریفی که قاموس فنی و انتقادی فلسفه اثر آندره لالاند *Lalande* (۱۹۳۶ - ۱۸۶۷) از سمبول به دست داده است. "هر نشانه محسوس که با (رابطه‌ای طبیعی) چیزی غایب یا غیر قابل مشاهده را متذکر شود" (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۵۳۸).

سمبولیسم یا نمادگرایی پیش از آن که یک مکتب به حساب بیاید، یک مفهوم یا فلسفه است. بشر از ابتدای شکل‌گیری تمدن‌ها و آغاز شاعری تمایل داشته حرف‌هایش را در قالب نمادها و نشانه‌ها به زبان آورد و اشیای دور و برش را تجسم مفاهیمی عمیق‌تر از آنچه به چشم می‌آید، نشان دهد. همان‌طور که مصریان باستان گل‌های اسیریس را نماد مرگ می‌دانستند، هندیان گل نیلوفر را نشانه تاج خداوند می‌نامیدند، بابلی‌ها مار را نماد جاودانگی به حساب می‌آوردند و خورشید را نشانه بخشندگی و زندگی. اما به هر حال سمبولیسم یک مکتب فکری هم هست. در اواخر قرن نوزدهم شاعران فرانسوی که از زبان خشک نویسندگان رئالیسم (واقع‌گرا) به ستوه آمده بودند، مکتب سمبولیسم را بنیان نهادند. آن‌ها عقیده داشتند: اثر هنری باید تا حد ممکن از بیان مستقیم مفاهیم فرار کند و به نمادها و نشانه‌ها پناه آورد. نمادها و نشانه‌ها، خواننده را در کشف راز و رمزهای اثر به تحریک در می‌آورد و او را از قالب یک شاگرد حرف گوش کن بیرون می‌آورد (<http://sareh110.blogfa.com/post/57>).

سمبل (*symbol*) در اصل یک واژه‌ی یونانی (*sum ball*) و به معنای وابستگی و چسباندن دو نقطه مجزا است. این واژه در حالت اسمی به معنای "رمز، علامت و نشانه" به کار می‌رود. در زبان فارسی برای آن معادل‌هایی نظیر "نماد، نمود و رمز" پیشنهاد شده است. در حوزه‌ی ادبیات، سمبل یا نماد به چیزی گفته می‌شود که هم خودش باشد و هم مظهر مفاهیمی دیگر؛ مثلاً درخت زیتون علاوه بر مفهوم واقعی‌اش، نماد صلح و دوستی نیز هست. نمادها با توجه به زمینه‌های فکری، فرهنگی و شرایط به وجود آمدنشان به دو گروه بومی یا عمومی تقسیم می‌شوند.

نمادهای بومی مربوط به مردم منطقه‌ای خاص است؛ اما نماد عمومی را تقریباً همه مردم جهان به یک صورت درک می‌کنند. در آثار ادبی، نیز نماد دو گونه کاربرد دارد. گاهی هنرمند اثری کاملاً سمبولیک و نمادین می‌آفریند مثل منطق‌الطیر عطار و گاه در اثر خود از برخی عناصر به‌عنوان نماد بهره می‌گیرد.



سمبولیسم، جنبشی نامحسوس در هنر بود که در دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ در ارتباطی نزدیک با جنبش ادبی سمبولیستی در شعر فرانسه ظهور و شکل گرفت. این جنبش واکنشی بود به اهداف طبیعت‌گرایانه‌ی مکتب امپرسیونیسم و نیز به اصول رئالیسمی که توسط کوربه وضع شد. "نقاشی اساساً هنری عینی است و فقط می‌تواند شامل بازنمایی چیزهایی شود که واقعی و موجودند... شیء انتزاعی به قلمرو نقاشی تعلق ندارد" (همان).

**سمبولیسم:** در اواخر قرن نوزدهم به وجود آمد. شارل بودلر پایه‌گذار این مکتب بود. در میان کسانی که از بودلر الهام گرفتند و با آثار خود زمینه را برای پیدایش سمبولیسم آماده ساختند پل ورنل، آرتور رمبو و استفان مالارمه از همه مشهورتر هستند. باید توجه داشت که هر کدام از آن‌ها سبک ویژه‌ای داشتند.

در میان نویسندگان جوزف کنراد و جیمز جویس به دلیل نمادپردازی در آثارشان شهرت خاصی دارند. مثلاً جیمز جویس در کتاب «چهره مرد هنرمند در جوانی» پسرکی عینکی را به تصویر می‌کشد که مدام مطیع پدر و مادر و نظام کلیسایی و معلم مدرسه‌اش است. او به خاطر عینکی که به چشم می‌زند با بچه‌ها فوتبال بازی نمی‌کند. اما یک روز این عینک به‌طور اتفاقی می‌شکند و پسرک با کمال تعجب متوجه می‌شود که بینایی‌اش هیچ نقصی ندارد و بدون عینک هم می‌تواند دنیای اطرافش را ببیند. منتقدان آثار جویس عینک را نماد نگاه بسته و فیلتر شده یا همه‌باورهای کوری می‌دانند که چشم عقل ما را پوشانده‌اند. رمزگرایی، نمود عصیان هنرمندان در برابر مکاتب واقع‌گرایی و وصف‌گرایی بود. رمزگرایان بر فلسفه بدبینانه شوپنهاور و ایده‌آلیست‌های معنی‌گرا تکیه داشتند. آنان دیگر بار شعر را بر اریکه قدرت و افتخار نشانده‌اند. بودلر، پایه‌گذار این مکتب، معتقد بود: «دنیای جنگلی است سرشار از اشارات. حقیقت از چشم مردم عادی پنهان است و فقط شاعر می‌تواند به رمز و راز این اشارات پی ببرد.» برخی از شاعران این مکتب، در این رمزآلودگی غرق شدند و گاه اندیشه‌های مبهم و غیراخلاقی را رواج دادند. این جریان بر آثار هنری ایران در قرن حاضر تأثیری به سزا نهاد.

شارل بودلر، موریس مترلینگ، آلدینگتن، لارنس، هاکسلی، آرتور رمبو از بزرگان این مکتب هستند. سفر و شعر رویای پاریسی آثار بودلر، نژادپرست از آرتور رمبو، شاهدخت مالن از موریس مترلینگ نمونه‌هایی از آثار سمبولیسم می‌باشند (همان).

سمبولیسم پیوسته از قلمرو نقد‌گریزان است و ماهرانه خود را از تشریح و توصیف نجات می‌دهد گروهی در آن تصوف می‌بینند و اثری از عرفان شرق و غرب عده‌ای آن را راهی برای ایجاد زبانی تازه در شعر و بالاخره بعضی آن را کوششی برای گرفتن وسیله‌ی بیان از هنرهای دیگر می‌دانند، چنانکه اغلب سمبولیست‌ها از اینکه می‌توانند با موسیقی رقابت کنند، بر خود می‌بالند. با وجود این شاعران و نویسندگان سمبولیست مشخصاتی دارند که به سادگی قابل تشخیص است (همان).

با آن‌که مکتب ادبی ناتورالیسم بر عرصه‌ی رمان و تئاتر فرمان‌روایی می‌کرد عصیان این شاعران سده‌ی در مقابل آن به وجود آورد و با آن‌که نتوانست آن را از پیشرفت باز دارد ولی حدودی برای آن ایجاد کرد. پوزیتیویسم فقط به واقعیت متکی بود. اما مجلات و فیلسوفان جدید از واقعیت روگردان بودند و حتی آن را انکار می‌کردند و مدعی بودند واقعیت حال یا گذشته و بیان



آن کار نفرت آوری است. آن‌ها در اجتماع آن زمان زندگی راحتی برای خودشان نمی‌یافتند و از همه‌ی روش‌های سیاسی و اجتماعی و فکری و هنری که میراث گذشتگان بود، نفرت داشتند. آنان می‌خواستند آناشیت یا منکر همه چیز باشند. نخستین پیام‌آور این عصیان فکری "شارل بودلر" بود که از طرفداران هنر برای هنر شمرده می‌شد با دیوان اشعار خود تحت عنوان "گله‌ای شر" دنیای شعر را تکان داد و بنای مکتب جدید را گذاشت و یک نسل شعر و ادب که در خلال ۱۸۵۷ تا ۱۸۸۰ می‌زیست او را پیشوای مسلم خود شمرد. در نظر بودلر دنیا جنگلی است ملامال از علائم و اشارات. حقیقت از چشم مردم عادی پنهان است و فقط شاعر با قدرت ادراکی که دارد به وسیله‌ی تفسیر و تعبیر این علائم می‌تواند آن‌ها را احساس کند. عوالم جداگانه‌ای روی حواس ما تأثیر می‌گذارد که شاعر باید آن‌ها را کشف کند و برای بیان مطالب خود به زبان جدیدتری (زبان رمز) از آن‌ها استفاده کند. البته بودلر استفاده از این زبان سمبولیک را اساس کار خود قرار نداد، اما چند نمونه جدید از خود به‌جا گذاشت که مقدمه‌ای برای اشعار سمبولیک به شمار می‌رود. (همان).

### ۱- روش تحقیق:

این پژوهش بر پایه منابع و مأخذ کتابخانه‌ای و مقاله‌ها و مجله‌های علمی پژوهشی ادبی، و سایت‌های معتبر اینترنتی انجام پذیرفته است.

### ۲- یافته‌های تحقیق:

در روند واکای و ریشه‌یابی مکتب سمبولیسم به بررسی بنیادی واژگان سمبل و نماد پرداخته شد. در ادامه به ظهور و بروز مکتب سمبولیسم در طول تاریخ و قرون گذشته در اقصا نقاط جهان و ایران در عرصه‌های گوناگون ادبی (نظم و نثر)، فرهنگی و هنری (نقاشی، عکاسی، سینما و...) مورد کاوش و لایه‌پردازی قرار گرفت. سمبولیسم می‌تواند گویای این واقعیت ملموس باشد که رمز بقا و ماندگاری آثار فاخر مشاهیر بزرگ ادبی و هنری، در اثنای تاریخ، همگی پیشینه و عقبه در سمبل و نمادگرایی دارند. این مکتب و فن و روش در عصر کنونی، که عصر تحولات لجام گسیخته انفورماتیک و رسانه‌های تنوع مجازی و... است جایگاه و منزلت خود را در پیشبرد اهداف والای علم و فرهنگ و هنر ارتقاء حفظ و حتی ارتقاء داده است.

### ۳- مکتب سمبولیسم:



مکتب سمبولیسم یا نمادگرایی یکی از مکاتب ادبی جهان بوده که در اواخر قرن ۱۹ پا به عرصه ادبیات و شعر فرانسه گذاشت. کاربرد نماد در آثار ادبی جهان، در تمام دوره‌های تاریخی کم و بیش وجود داشته است. در اروپا پیش از آن که این عنوان به جریان خاصی اطلاق شود در شعر شاعرانی چون گوته سمبل وجود داشته است (جعفری، عامری، ۲۰۱۷: ۶).

مکتب سمبولیسم یا نمادگرایی از جمله مکاتب ادبی جهان است که در اواخر قرن ۱۹ پا به عرصه ادبیات و شعر فرانسه گذاشت. تعریف اجمالی این سبک عبارت است از: انتخاب و گزینش علامات و نشانه‌های مناسب جهت بیان و القای افکار و اندیشه‌ها احساسات بشری، که رنج و درد، دستمایه‌ی اصلی این احساسات و اندیشه‌هاست.

سبک سمبولیسم (نمادین) برای هر فکر یا موجودی یا احساس، یا تصویری، نماد، یا نماینده‌ای برمی‌گزیند که خواننده با توجه وافر از نماد، به اصل آن دست می‌یابد. و اگر این نمادها شکل لطیف و مناسبی گزیده شده باشد، لطافت و احساسات خواننده را بیشتر برمی‌انگیزد و او را عاشقانه به دنبال خود می‌کشد. در ادبیات فارسی «ماه» سبیل چهره‌ی زیبا و با نشاط و جوان است. و «نرگس» نمادی است برای چشمان زیبا است. سمبولیست‌ها بر این باورند که در طبیعت هیچ چیز به صورتی که ما می‌بینیم نیست. و همه چیز آفریده روح و اندیشه ماست. در واقع اصالت را بر احساس و خیالات و رؤیاها استوار می‌دانند، نه بر طبیعت خالص. سبک نمادین (سمبولیسم) با اشاره و کنایه حرف می‌زند و هیچ چیز را بالصراحه مطرح نمی‌کند. تلویح، جایگزین صراحت است. و معیار، احساس است و عاطفه، نه واقع‌بینی و عینیت. بنیانگذار مکتب سمبولیسم را «شارل بودلر» عنوان کرده‌اند و از مقلدین او کسانی Call hinamotomita one and مانند: «مالارمه»، «ادگار آلن پو»، «ورلن»، «لارسن» و «والری» را می‌توان نام برد.

کتاب سفر اثر (شارل بودلر) و پیشه‌ی محبت، اثر (پل والری) از نمونه‌های بارز سبک سمبولیسم یا نمادین است.

<http://www.radiofarhang.ir/NewsDetails/?m=060001&n=117816> (خاندانی‌ها، ۱۳۹۶، سایت رادیو

فرهنگ)

#### ۴- نشانه و نماد:

گاهی بعضی نمادها به علت کثرت تکرار و یا آشنایی خوانندگان با آن‌ها به صورت صریح و مشخصی درآمده به گونه‌ای که مشبه آن روشن و آشکار است و به صورت عمومی و جهانی درآمده مانند ترازو که نماد عدل قرار گرفته بدین ترتیب می‌توان آن را نشانه تلقی کرد نه نماد، و صلیب که نماد مرگ مسیح به شمار می‌رود و کبوتر که نماد صلح است. پس نشانه‌ها هم نوعی نماد محسوب می‌شوند که به علت کثرت تکرار دریافت معنای آن آسان است.

اریک فروم معتقد است که "حتی کلمات و واژه‌ها که ما به طور روزمره استفاده می‌کنیم متداول‌ترین سمبل‌های متعارف‌اند. مانند کلمه میز که سمبل شی است. (فروم، ۱۳۴۹، ۱۵).



یونگ درباره فرق نشانه و سمبل می گوید: "نشانه همواره کم تر از مفهومی است که می نمایاند، اما سمبل نماینده چیزی بیش از معنی آشکار و بلافصل است.

به علاوه سمبل ها محصولات طبیعی و از خود برآمده هستند. پس، نشانه دارای مفهوم قراردادی مشخصی است و برای همه افرادی که از آن استفاده می کنند دارای معنی واحد قابل ادراکی است و با نماد که شخصی و غیر قراردادی است، تفاوت دارد. سمبل های ادبی، نمادهای شخصی و انفرادی هستند که حاصل اندیشه و تجربه روحانی شاعران و نویسندگان و عارفان است. این سمبل ها شناخته شده و جهانی نیستند و شناخت مفهوم آن ها نیاز به درنگ و اندیشه عمیق دارد. نمادهای ادبی برای همه مردم قابل درک نیست و مفاهیم آن ها معمولاً بستگی به زمینه کاربردی آن ها دارد. هر شاعری دارای سمبل های مختص خود است که از سویی از حالات عاطفی و شخصی او تأثیر پذیرفته و از سوی دیگر متأثر از فرهنگ و مذهب و تاریخ سرزمین شاعر می باشد. گاهی اوقات سمبل ها در کل آثار شاعر تکرار می شوند و موتیو یا بن مایه های اثر هنری را تشکیل می دهد. مانند کوزه، کوزه گر، کارگر، کوزه گری در اشعار خیام و نمادهایی چون خورشید، دریا و نی در اشعار مولوی (جعفری، عامری، ۱۳۹۵: ۵-۶).

#### ۵- گسترش و تنوع در جنبش سمبولیسم:

نمادگرایی (سمبولیسم) جنبشی هنری در واکنش به جنبش های رئالیسم و امپرسیونیسم شد شاعران، موسیقی دانان هنرمندان و نویسندگان جنبش نمادگرایی همگی از نمادها استفاده می کردند تا مفاهیم را به شیوه ای غیرمستقیم بیان کنند. به عنوان مثال: نقاشان نمادگرا می خواستند نقاشی هایشان معانی ای فراتر از اشکالی که می کشند را به نمایش بگذارند. این نقاشان، طیف گسترده ای از موضوعات از جمله قهرمانان زنان، حیوانات و مناظر را مورد استفاده قرار می دادند. آن ها معمولاً به این سوژه ها معانی عمیقی مانند عشق، مرگ، گناه، مذهب یا بیماری را می دادند. آن ها به جای این که زندگی واقعی را برای نمایش چیزی به کار برند از استعاره ها (یا سمبل ها) استفاده می کردند.

<http://www.beytoote.com/art/music-cinema/understanding3-symbolism2-style.html?m=1>

#### ۶- ظهور سمبولیسم در ادبیات و نوشتار:

به این معناست که یک (SIM-buh-liz-uhm) شی، شخص یا مکان، ایده ای انتزاعی را فراتر از معنای تحت اللفظی آن نشان دهد.

"چدویک" نویسنده کتاب سمبولیسم می گوید: سمبولیسم را می توان هنر بیان افکار و عواطف نه از طریق شرح مستقیم بلکه از طریق اشاره به چگونگی آن ها و استفاده از نمادهایی برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست.



نمادگرایی به عنوان یک جنبش هنری در شعر فرانسوی در قرن نوزدهم برای مبارزه با رئالیسم به نفع رمانتیسم آغاز شد. آغازگر این نهضت "شارل بودلر" است که در سال ۱۸۷۵ کتاب "گل‌های شر" را منتشر کرد.  
<https://tehrantarjomah.com/what-issymbolism-in-literature/2022.desamber.7.sogol>.

## ۷- نمونه‌هایی از سمبولیسم:

سمبولیسم فراتر از ادبیات جریان دارد و می‌توان آن را در زندگی روزمره نیز یافت. برخی از رنگ‌ها، حیوانات و اشیاء به عنوان نمادهای مفهومی شناخته می‌شوند که در ادامه مثال‌هایی آورده می‌شود (همان).

### ۷-۱- رنگ‌ها:

بیشتر رنگ‌ها با یک احساس یا معنی در ارتباطند. سفید نماد پاکی، قرمز عشق، سبز حسادت و زرد شادی و دوستی است. قرمز همچنین به عنوان نماد توقف نیز شناخته می‌شود که در علائم ایست و چراغ‌های راهنمایی مشهود است. وقتی قرمز و سبز در کنار هم قرار می‌گیرند، مثلاً در روتر Wi-Fi، قرمز به معنای اشتباه است و سبز به این معنا که همه چیز به درستی کار می‌کند (همان).

### ۷-۲- حیوانات:

یک حیوان می‌تواند بر اساس ویژگی‌هایش به عنوان یک نماد شناخته شود. شیرها به دلیل رتبه‌شان در قلمرو حیوانات نماد شجاعت و شکوه هستند و گربه‌های سیاه به دلیل ارتباط با هالووین نماد بدشانسی یا ترسناکی هستند (همان).

### ۷-۳- اشیاء:

اشیاء روزمره هم می‌توانند نشان‌دهنده نمادهای بی‌شماری باشند برای مثال بادکنک نمادی از جشن و گل رز نمایانگر عشق است (همان).

## ۸- معرفی سه نوع از سمبولیسم در ادبیات:

در حالی که موضوع ادبیات در زمان‌های مختلف متفاوت بوده است، تعریف سمبولیسم یک تعریف ثابت است. نمادگرایی با مفهوم یک کلمه یا شی که چیزی فراتر از معنای تحت‌اللفظی است؛ شناخته می‌شود. در طول تاریخ، انواع خاصی از سمبولیسم مورد توجه نویسندگان، شاعران، نمایشنامه‌نویسان و غزل‌سرایان بوده است: سمبولیسم مذهبی، رمانتیک و عاطفی.

### ۸-۱- سمبولیسم مذهبی:

مذهب، شاید پیوسته‌ترین شکل «قابل قبول» سمبولیسم در ادبیات طی دوران مختلف باشد. زیرا معمولاً توسط مقامات مذهبی در بسیاری از دوران‌ها بر جامعه تسلط داشته‌اند؛ تأیید شده است.



نمادگرایی مذهبی به نخستین تمدن‌های بشری باز می‌گردد، اما برجسته‌ترین نمادهای مذهبی ادبی را می‌توان در کتاب "بهشت گمشده" اثر جان میلتون (بازگویی آفرینش) و همچنین کتاب "برادران کارامازوف" اثر فئودور داستایفسکی (از جمله نمادهای ظریف آن، بازنمایی فیزیکی روح القدس) یافت (همان).

#### ۸-۲- سمبولیسم رمانتیک:

شاید پس از نمادگرایی مذهبی، نمادگرایی رمانتیک باشد که بخش‌های وسیعی از ادبیات جهان را فرا گرفته است. رمانتیسم بر احساسات، بیش از واقعیت تأکید داشت. این جنبش پس از تولد به‌عنوان یک جنبش هنری، به یک جنبش عمومی در ادبیات تبدیل شد. شعر (از غزلیات شکسپیر گرفته تا مصراع‌های مدرنیستی ادنا سنت وینسنت میلی)، رسانه‌ای ویژه برای سمبولیسم رمانتیک بوده است.

#### ۸-۳- سمبولیسم عاطفی:

بسیاری از نویسندگان و شاعران از نمادهای فیزیکی برای توصیف احساسات متافیزیکی استفاده می‌کنند. نماد نویسان فرانسوی زبان مانند استفان مالارمه و پل ورلن برای این شکل از نمادگرایی مورد توجه قرار می‌گیرند، همان‌طور که نویسندگان انگلیسی زبان مانند ویلیام باتلر پیتس و سیموس هینی نیز مورد توجه هستند (همان).

#### ۹- چگونگی کاربرد سمبولیسم در متون ادبی:

نمادها می‌توانند به کلمات معانی دوگانه، چه تحت‌اللفظی و چه مجازی بدهند. سمبولیسم همچنین می‌تواند نوعی زبان مخفی بین نویسنده و خواننده باشد. به‌طور خاص نمادگرایی را می‌توان برای موارد زیر استفاده کرد:

#### ۹-۱- اضافه کردن احساس:

نمادها طنین احساسی را به داستان اضافه می‌کنند، که می‌تواند تأثیری ماندگار در خواننده ایجاد کند. به‌عنوان مثال، در مکبث اثر ویلیام شکسپیر، لیدی مکبث گناهکار توسط لکه‌ای از خون روی دستانش شکنجه می‌شود که پس از کشتن پادشاه دانکن پاک نمی‌شود (همان).

#### ۹-۲- اضافه کردن تصاویر:

نمادها، یک عنصر بصری به مضامین پیچیده اضافه می‌کنند. اتصال تم‌ها رنگ سبزی که در سرتاسر فیلم "گتسی بزرگ" اثر اسکات فیتزجرالد به کار رفته است نشانگر پول و مادی‌گرایی است که زندگی در ساحل شمالی لانگ آیلند را تعریف می‌کند (همان).





### ۹-۳- تعریف شخصیت‌ها:

نمادها می‌توانند ویژگی‌های شخصیت را بیان کنند. برای مثال، مجموعه کتاب‌های هری پاتر، زخم صاعقه‌ای شکل هری، نمادی از تلاش لرد ولدمورت به جان او و عشقی است که او را نجات داد (همان).

### ۹-۴- پنهان کردن معانی تیره:

در نامه اسکارلت نوشته ناتانیل هاتورن، دختر به ظاهر وحشی پرل هستر نماد گناهی است که منجر به لقاح او شد. رفتار دشوار او نشان دهنده راز در قلب وجود او است - اینکه پدرش کشیش برجسته آرتور دیمزدیل است. تنها زمانی که پدری دیمزدیل فاش شود، پرل به یک نماد مثبت تبدیل می‌شود: روح رهایی بخش جهان طبیعی (همان).

### ۱۰-۱- دلایل نویسندگان در کاربرد سمبولیسم در آثارشان:

به چند دلیل سمبولیسم در ادبیات مفید است.

۱۰-۱- ساده کردن یک موضوع یا ایده پیچیده با دادن ویژگی‌هایی که برای خواننده قابل درک باشد. همچنین می‌تواند با ارائه مثالی تحت‌اللفظی از چیزی غیر تحت‌اللفظی، معنای روشن‌تری به وجود آورد.

۱۰-۲- دلیل دیگر خلاقیت محض است. نویسندگان اطلاعات را به‌طور ضمنی منتقل می‌کند تا نوشته شاعرانه‌تر به نظر برسد. به جای آن که رویه ظاهری موضوع را بیان کند موضوع را به‌صورت سمبولیسم می‌آورد تا خواننده خودش معنا را استخراج کرده و اینگونه خواندن متن را برای خواننده لذت بخش می‌کند (همان).

### ۱۱-۱- سمبولیسم و اصطلاحات مرتبط:

ادموند ویلسون در مقاله‌ای در باب سمبولیسم می‌نویسد: سمبل در سمبولیسم با سمبل در مفهوم متعارف متفاوت است. اینکه صلیب سمبل مسیحیت است یا چند ستاره و نوار سمبل آمریکا هستند در واقع سمبل به معنای متعارف هستند. سمبل در مکتب سمبولیسم و سمبولیسم در ادبیات را خود شاعر و نویسنده وضع می‌کند تا ایده خاصی را که در ذهنش است را بیان کند (همان). در ادامه اصطلاحات مرتبط با سمبولیسم را بررسی می‌کنیم:

### ۱۱-۱-۱- سمبولیسم در مقابل تمثیل:

تمثیل داستانی است که از شخصیت‌ها برای پنهان کردن یک پیام اخلاقی یا سیاسی با استفاده از نمادگرایی استفاده می‌کند. با این حال، هر داستان سمبولیستی، تمثیلی نیست. برای مثال، مرغ مقلد در «کشتن مرغ مقلد» نماد معصومیت است، اما شخصیت‌ها ایده‌های انتزاعی را نشان نمی‌دهند، بنابراین رمان یک تمثیل نیست. کتابی مانند «مزرعه حیوانات» تمثیلی است که اشاره‌ای به انقلاب روسیه دارد (همان).



### ۱۱-۲- سمبولیسم در ادبیات در مقابل استعاره:

در حالی که هر دو شامل چیزی است که چیز دیگری را نشان می‌دهد تفاوت اصلی بین استعاره و سمبل این است که اولی به صراحت دو چیز را با گفتن این که یکی دیگری است مقایسه می‌کند. در کتاب مقدس، عیسی می‌گوید که او تاک است، و خدا باغبان است که شاخه‌های او را هرس می‌کند. این استعاره‌ای از عشق و مربیگری خداوند است. اما در سمبولیسم به طور صریح مقایسه‌ای ندارد. در عوض، یک چیز به جای چیز دیگری قرار می‌گیرد (همان).

### ۱۱-۳- سمبولیسم در ادبیات در مقابل موتیف:

موتیف موضوع داستان را از طریق تکرار یک تصویر، ایده یا عمل پشتیبانی می‌کند. موتیف می‌تواند نمادین باشد. سمبل‌ها معمولاً یک بار ذکر می‌شوند، در حالی که موتیف چندین بار در یک اثر مکتوب ظاهر می‌شود (همان).

### ۱۲-۱- سردمداران سمبولیسم در فرانسه و دیگر کشورها:

۱۲-۱- سمبولیسم از فرانسه آغاز شد و از پیشوایان آن می‌توان از: پل ورلن، آرتور رمبو، استفان مالارمه موریس مترلینگ و بودلر؛ نام برد. در فرانسه قرن بیستم هم با آندره ژید و پل والری سمبولیسم ادامه یافت. نهضت سمبولیسم فرانسه بود که بر شاعران دیگر کشورها نیز تأثیر گذاشت.

### ۱۲-۲- انگلستان:

ویلیام باتلر ییتز، تی.اس. الیوت / آمریکا: عزرا پاوند، دایلتوماس، ای.ای. کمینز، والاس استیونسن / آلمان: راینر ماریا ریلکه / روسیه: الکساندر بلوگ / اسپانیا: اونا مونو، خیمه نز (همان).

### ۱۳-۱- پیوند نقاشی با مکتب سمبولیسم:

#### ۱۳-۱- فرشته زخمی (هوگو سیمبرگ):

در این نقاشی فرشته جوانی به وسیله دو پسر حمل می‌شود. فرشته مجروح است و دو پسر بسیار جدی‌اند. یکی از پسرها مستقیم به بیننده نگاه می‌کند. فرشته نمادی از کمال مطلوب است اما وقتی با واقعیت مواجه می‌شود. مجروح می‌شود این نقاشی در سال ۲۰۰۶ به عنوان نقاشی ملی فنلاند انتخاب شد.

<http://www.beytoote.com/art/music-cinema/understanding3-symbolism2-style.html?m=1>

### ۱۳-۲- آیدا در حال خواندن نامه اوپلهم همرشوی:



همر شوی اغلب فضای داخلی و پرتره‌هایی از اشخاصی که به یک سمت چرخیده یا پشتشان به بیننده است را می‌کشیده است. در این تصویر آیدا، همسر همرشوی است که به یک طرف چرخیده و در حال خواندن نامه است. درب در سمت راست او باز است و او را دعوت به ترک خانه می‌کند. این نمادها به بیننده احساس تنهایی بانو در هنگام خواندن نامه را القا می‌کند. پرتره آدل بلوخ بوئر من اول (گوستاو کلیمت) (همان).

### ۱۳-۳- پرتره ادل بلوخ بوئرمن اول (گوستاو کلیمت):

این پرتره تصویری از یک زن است که در سال ۲۰۰۶ به قیمت ۱۳۵ میلیون دلار فروخته شد. در آن زمان این نقاشی گران‌ترین نقاشی‌ای بود که تاکنون فروخته شده بود. در این نقاشی یک زن لباس شب طلایی پوشیده شده است. این لباس شب با جزئیات خیالی و برگ طلا تزئین شده است. این لباس شب نمادی قوی از فردی است که هویت و همچنین امیدش به آینده در حال تغییر است (همان).

### ۱۴- اصول فلسفی سمبولیسم:

از نظر فکر، سمبولیسم بیشتر تحت تاثیر فلسفه‌ی ایدآلیسم بود که از متافیزیک الهام می‌گرفت. بدینی اسرارآمیز «شوپنهاور» نیز تأثیر زیادی بر شاعران سمبولیست داشت. آن‌ها در ذهنیت‌گرایی «سوژکتیویسم» عمیقی غوطه‌ور بودند و همه چیز را از پشت منشور خواب‌کننده‌ی روحیه‌ی تخیل‌آمیزشان تماشا می‌کردند. برای آن‌ها که با چنین فلسفه‌ی بدبینانه‌ای پرورش یافته بودند، هیچ چیز مناسب‌تر از دکور مه‌آلود و مبهمی که تمام خطوط تند و قاطع زندگی در میان آن محو شود و هیچ محیطی بهتر از تاریکی و مهتاب وجود نداشت. شاعر سمبولیست در چنین محیط ابهام‌آمیز و در میان رویاهای خودش، تسلیم مال‌بخولای خویش می‌شد. قصرهای کهنه و متروک، شهرهای خراب و آب‌های راکدی که برگ‌های زرد روی آن‌ها را پوشانده باشد و نور چراغی که در میان ظلمت شب سوسو می‌زند و اشباحی که روی پرده تکان می‌خورند و بالاخره سلطنت سکوت و چشمانی که به افق دوخته شده است.

همه‌ی این‌ها جلوه‌ی عالم رویایی و اسرارآمیزی بود که در اشعار سمبولیست‌ها دیده می‌شد. رویا و تخیلی که پوزیتیویسم و رئالیسم می‌خواست آن را از ادبیات براند دوباره با سمبولیسم وارد ادبیات شد. البته منظور آن‌ها این نبود که از شعر پارتاسین به کلی قطع رابطه کنند و به رمانتیسم برگردند. مثلاً هرگز نمی‌خواهند زندگانی و شرح حال و اعترافات خویش را بنویسند. در تشریح مناظر، نه شکل لایتغیر اشیا مادی، بلکه فرار ساعت‌ها و فصول و زمان زودگذر و آهنگ توقف‌ناپذیر زندگانی را شرح می‌دهند و قوانین نهفته‌ی وجود طبیعت را تصویر می‌کنند. به نظر آن‌ها طبیعت به جز خیال متحرک چیز دیگری نیست. اشیا چیزهای ثابتی نیستند، بلکه آن چیزی هستند که ما به واسطه‌ی حواسمان درک می‌کنیم. آن‌ها در درون ما هستند. خود ما هستیم. از این لحاظ عقاید سمبولیک‌ها بیشتر به عرفان شرق نزدیک است.



می‌گویند: نظریات ما درباره طبیعت، عبارت از زندگی روحی خودمان است، ماییم که حس می‌کنیم و نقش روح خود ماست که در اشیا منعکس می‌گردد وقتی انسان مناظری را که دیده است با ظرافتی که توانسته درک کند، مجسم سازد در حقیقت اسرار روح خود را برملا می‌کند. تمام طبیعت سمبول وجود زندگی خود انسان است. تشریح و تصویر اشیا و حوادث به وسیله‌ی سمبول‌ها صورت تازه‌ای به خود می‌گیرد. و برای بیان روابط بین الهام‌ها و اشکال، باید زبان شعر را در هم ریخت و صورت در آورد. و چه بسا که این زبان برای اشخاص عادی نامفهوم باشد و "راز سمبولیسم در همین چیزهای نامفهوم است". (<http://akkasee.com/article/symbolism/1385/5146>) (سایت عکاسی معاصر، ۱۳۸۵)

### ۱۵- سمبولیسم در سینما:

عموماً با کارهایی مانند فیلم‌های لوئیس بونوئل شناخته می‌شود. در فیلم سگ آندلسی، کشیش‌های آویخته از طناب، کدوها و پیانو و اجساد الاغ‌ها به طرز نمادینی به کار گرفته شده‌اند.

تصاویری که برخی به‌منظور ایجاد رعب و وحشت و برخی دیگر با تعبیری سمبولیک به کار گرفته می‌شدند. در سینما سورئالیسم (وهمگری) و سمبولیسم درهم آمیختگی عجیبی دارند. کارگردان می‌کوشد فیلم خود را از قالب محدود و روایت خطی و سابق خود آزاد سازد و به‌جای آن قالب‌های عجیب و جدیدی به فیلم القا کند. کارگردان سمبولیست تمام قواعد داستانی سینما را درهم می‌ریزد و از جلوه‌ها و ظرایف خاص و غیرمعمول بهره می‌برد (کشیدن تیغ ریش‌تراشی بر چشم یک زن در نمای درشت! که به طرز عجیبی دهشتناک و چندش آور است) عناصر دیگری مانند شکستن خط فرضی، به کارگیری نماهای بی‌ربط بین دو نما در معنای نمادین و به کارگیری عناصر درون کادری مثلاً یک شی یا تکرار یک رنگ خاص در معنای رمزی و تمثیلی آن، استفاده از معناهای نمادین بین‌المللی مانند کبوتر در معنای صلح و... نیز در برخی مستندهای تمثیلی مشهود است. سینمای دینی شرق رو به‌سوی حقیقت دارد و جستجو را با رمز و راز نشان می‌دهد.

حقیقت در این نوع سینما، مربوط به عالم ماورا و ملکوتی است. در حالی که سینمای دینی غرب در جست‌وجوی حقیقت عینی و کاربردی برای زندگی است. به همین دلیل، سینمای دینی غرب با نوعی رمانتیسم در آمیخته است و سینمای دینی شرق با نمادگرایی و سمبولیسم. سینمای دینی غرب در نهایت انسان را به‌سوی خداشناسی رهنمون می‌کند و سینمای دینی شرق به‌سوی خودشناسی به‌موازات خداشناسی (همان).

### ۱۶- بازتاب مکتب سمبولیسم در هنر عکس و عکاسی:

عکاس سمبولیست نیز به همین شیوه قواعد و ساختار طبیعی درون کادری را به هم می‌ریزد تا معنایی را با استفاده از نماد به مخاطب القا کند، مثلاً نشان دادن ساعت در گوشه‌ای از یک کادر در معنای گذر عمر و زمان، یا به کارگیری سمبول‌های شناخته شده‌ای مانند صلیب، برگ زیتون یا حتی استفاده از بناهای خاص معماری شناخته شده برای بیان یک مکان خاص



میدان آزادی به عنوان سمبول شهر تهران یا برج ایفل سمبول پاریس، مجسمه‌ی آزادی، برج سی ان تورنتو و از این دست بناهای شناخته شده‌ی جهانی (همان).

### در هنر عکاسی:

عکاس فقط به جهت سکون تصویر از سینما متمایز است اما در تک کادر خود دقیقاً معانی یکسانی دارند، به هم ریختن اصول و قواعد خطی و عادی رئالیسم و به کارگیری رنگ‌های نمادین مثلاً: رنگ ارغوانی در معنای روحانیت و پادشاهی (به خصوص در مکتب بودیسم) یا رنگ زرد به نشانه‌ی خرد و رنگ بنفش در معنای ترس و وحشت اخروی، رنگ آبی به معنای آرامش و سکون و رنگ سبز به معنای حیات و زندگی، رنگ قرمز برای بیان تشویش و تهیج و... رنگ‌شناسی در معنای نمادین، شناخت نمادهای بین‌المللی و به کارگیری تخیل در آمیختن نماها پایه اساسی عکاسی در این سبک است. (همان).

### ۱۷- سمبولیسم از منظر سنت‌گرایی:

سنت‌گرایی، اعتقاد به حقیقتی ازلی وابدی است که از امر مطلق و لایتناهی سرچشمه می‌گیرد و در قالب سنت برای انسان نمودار می‌گردد. اصطلاح سمبل و مشتقات آن از واژگان کلیدی سنت‌گرایان است. بیان فلسفی سمبولیسم را می‌توان در نظریه مثل افلاطون مشاهده کرد. در فلسفه افلاطون، اساس سمبولیسم به "علت نمونه‌ای" برمی‌گردد. علت نمونه‌ای، یکی از علل شش‌گانه است. نظریه علل شش‌گانه از مفاهیم اساسی متافیزیکی از منظر سنت‌گرایان است. علت نمونه‌ای ایده با صورت مثالی شی است. که آفرینش بر طبق آن صورت می‌گیرد. بنابراین هر سمبلی نماینده یک حقیقت اعلی است. سمبولیسم دارای اصلی فوق انسانی است و امری قراردادی و دلخواهانه نیست. و حقیقت شی به نحوی در سمبل حضور دارد سمبولیسم زبان متافیزیک است. و شناخت معنی سمبولیکی نیاز به حکمت دارد. (دستجردی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۵).

### ۱۸- سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر ایران:

از جریان‌های مشخص و متمایز شعر معاصر فارسی سمبولیسم اجتماعی است. نیما یوشیج بنیان‌گذار و نماینده واقعی این جریان شعری است و شعر ققنوس او نخستین تجربه از این دست در شعر معاصر فارسی است. پس از نیما باید از شاعرانی چون شاملو، اخوان ثالث فروغ فرخزاد، کسرایی، شاهرودی آتشی، شفیع کدکنی، آزاد خویی و... یاد کرد.

که در دهه‌های سی و چهل از قرن حاضر این جریان را به اوج رساندند. جامعه‌گرایی و نمادگرایی دو ویژگی اساسی اشعار در این جریان است. شاعران سمبولیسم اجتماعی با زبانی سمبلیک و تاویل‌بردار، مسائل سیاسی-اجتماعی زمانه خویش را در شعر منعکس می‌کنند.



شعر این جریان متعهدانه و ملتزم است. و ویژگی مهم دیگرش متفکرانه و اندیشمندانه بودن اشعار است. چون دو عنصر عاطفه و تخیل، اندیشه و تفکر را همراهی می‌کنند.

به کارگیری زبان و واژگان و شیوه بیان حماسی نیز از ویژگی‌های دیگر این مرغان شعری است. این روند را شعر رمز گرای جامعه‌گرایان شعر نوی حماسی اجتماعی هم می‌نامند. (شمیسا، حسین پور، ۱۳۸۰: ۲۷-۲۸)

## ۱۹- انواع نماد:

### ۱-۱۹- نمادهای حقیقی:

می‌توان آن را نماد طبیعی نیز نامید. همان است که ریشه در ناخودآگاه بشر دارد. و انسان آگاهانه نقشی در تولید آن نداشته است. بلکه در طول تاریخ به مرور زمان، مسیر طبیعی را طی نموده و واژه از معنای حقیقی خود به سوی معنای نمادین آن چرخیده است.

در این نوع نمادها از پیش تصمیم گرفته نمی‌شود که واژه‌ای مانند "خروس" در معنای نمادین "بیدار کننده از خواب غفلت" یا "پیام‌آور روز آزادی" به کار رود. بلکه به شکل طبیعی و انسان بدوی ناخودآگاه این مساله را پذیرفته است و طبیعت خروس این است که با صدای خود مردم خفته را بیدار کند (کزازی ۱۳۷۶: ۲۴۵-۲۶۲).

### ۱۹-۲- نمادهای غیر حقیقی:

در دیگر سو نماد گونه قرار دارد که می‌توان آن را "نماد غیر حقیقی"، نیز نامید. این گونه نماد کاملاً آگاهانه و با تصمیم قبلی ساخته می‌شود و درست مانند همه ترفندهای ادبی (استعاره مجاز و...) زاده ذهن سخنور هستند (همان).

بسیاری از رمزهایی که در نمادهای عرفانی به کار رفته‌اند از این دسته‌اند. در این شیوه شاعران نمادگرا به جای اینکه اجازه دهند واژه‌ها چرخه تبدیل واژه قاموسی به واژه هنری و در نهایت واژه قاموسی را خودبه‌خود طی کند معانی هنری واژه نمادین را یک‌باره، در جایگاه قاموسی واژه می‌نشانند (همان، ۲۵۷).

در ادبیات عرفانی ما این گونه نمادها فراوانند "می" یا شراب رمز و نماد فیض الهی و ساقی واسطه فیض است که فیض را از خداوند به بنده سالک می‌رساند و با نمادهای دیگری مانند "خال" و زلف و مغ و محراب خانگاه، مسجد مناره، ملامت، نماز، ترسابچه زنار و....

مولانا می‌فرماید:

عارفان را شمع و شاهد نیست از بیرون خویش / خون انگوری نخورده باده‌شان هم خون خویش (مولوی، ۱۳۶۳: غزل ۱۲۴۷).  
در این بیت، شمع و شاهد و خون انگوری و باده نمادهای غیر طبیعی هستند (پاک طینت، ۱۳۹۵: ۱۸۶۳).

## ۲۰- نمادهای مرده و زنده:



به نمادها از منظر پویایی و زنده بودن و عدم پویایی و سکون و مردگی نیر می توان نگریست. بسیاری از نمادها به دلیل تکرار فرسوده و بی رمق شده اند. و کم کم به جرگه نمادهای کم کاربرد و یابی کاربرد پیوسته اند. گرد کهنگی و بی تأثیری بر آن ها نشسته و رنگ و بوی سکوت گرفته اند. بسیاری از نمادهای عرفانی ما از جمله این گونه نمادها هستند.

در مقابل نمادهایی هستند که هنوز فرصت تکرار دارند و نوظهور و زنده و پر تکرار و جوانند. نمادهایی که در شعر نیما، اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، منوچهر آتشی، هوشنگ ابتهاج، شفیعی کدکنی و... جاری است.

"کبوتر" و "زنجیر" دو نماد زنده در شعر شاملو هستند. "بر شانه من کبوتری است که از دهان تو آب می خورد.

شب که می ماسد غمی در باغ

من ز راه گوش می یابم

سرفه های مرگ را در ناله زنجیر دستانم که می پوسد. (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۷۷، ۲۱۹)

نمادهای زنده قدرت پویایی و همزادپنداری بالا داشته و مخاطب هم پا و همراه شاعر به لذت و حض لازم دست می یابد (پاک طینت، ۱۳۹۵: ۱۸۶۴).

## ۲۱- تفاوت نمادپردازی عرفانی و سمبولیسم اجتماعی معاصر:

دکتر فتوحی تفاوت های این دو گونه را در بلاغت تصویری این طور می شمارد:

۲۱-۱- شعر نمادین معاصر کاملاً اجتماعی است و نگرش واقع بینانه و حساس به مسائل جامعه دارد. اما شعدهای عرفانی از عالم واقع به جانب آرمان شهر و ناکجا آباد روح می گریزد و نمادپردازی آن مربوط به آن جهان است.

۲۱-۲- تصویرها و زبان شعر نمادگرای معاصر شخصی تراست و شاعران از زبان زنده و پویای عصر خود بهره برده و گاه به ابداع نمادهای جدید سرشار از احساسات و انفعالات روحی نو می پردازند.

اما نمادهای عرفانی مرسوم و بعضی تکراری و یک دست هستند. در شعر معاصر نمادها شخصی و فردی و خاص و ابداعی هستند شاعر فردیت خود را بارز می نماید و هر شاعر نمادهای خاصی دارد. حال آن که نمادهای عرفانی بیشتر مشترکند تا حدی که تبدیل به قراردادهای ادبی شده اند.

۲۱-۳- در شعر معاصر عاطفه اجتماعی غالب است دردها و آلام شاعر درد مردم جامعه است اما در شعر نمادین صوفیانه، عاطفه دینی غالب است و کمال مطلوب و عشق به حقیقت مورد توجه است.

توضیح این که نمادهای عرفانی در زمان خویش پویا و زنده و جاندار بودند اما امروزه به نمادهای تاریخی و غیر محرک تبدیل شده اند. درک نماد یکی از شاعران عارف هم راستاد و مترادف با درک نماد شاعر دیگر عرفانی است. می و "شراب" و شاهد



در شعر مولانا تقریباً همان می و شراب و شاهد اشعار عراقی و حافظ و عطار است. جز در مواردی اندک. اما در شعر معاصر بروی درک و فهم نمادها باید به فضای شعری و فکری هر شاعر مسلط شد چرا که هر شاعر فضای فکری ویژه خود را دارد. (فتوحی ۱۳۸۶: ۲۴۵).

## ۲۲- سمبولیسم نور و رنگ در عرفان ایرانی اسلامی:

برجستگی رنگ در حوزه محسوسات بشری خاصیت تأثیر گذاری بیش از حدی به آن بخشیده است. زمینه‌های نمادین رنگ به عوامل مختلفی چون تأثیر محیط جغرافیایی، فرهنگی، حالات و خصایص روحی، آموزه‌های دینی، اسطوره‌ای و... بستگی دارد. نقش آموزه‌های دینی، و تجارب روحی و عاطفی در نوع نگرش عرفانی و گزینش واژگانی، از عمق بیشتری برخوردار است. عالم عرفان عرصه تجلی اضداد است و ساختار زبان عرفانی مبنای پارادکسیکال دارد. چنین فضایی منجر به حاکمیت گفتمانی پویا بر اندیشه عرفان و تصوف می‌طلبد. (پورنامداریان، ۱۳۶۷، ص ۴۴).

رنگ یکی از آن واژگان شایع است. که برخلاف اغلب واژگان ظرفیت گسترش‌پذیری و تصویرگری بیش از اندازه دارد و قدرت بی‌ظنیری در اختیار صوفیان می‌گذارد. (همان، ص ۷۰).

در تعبیر عرفانی معمولاً خود واژه "رنگ" با ماده‌های اشتقاقی آن چون رنگارنگ، رنگین رنگ‌آمیز و... با رنگ به معنی لون تفاوت ماهوی دارد. و همواره نماد زخارف دنیوی است. و اغلب باهاله‌ای از معانی و تعبیر منفی و تحقیرآمیز است.

یا برو همچون زنان، رنگی و بویی پیش گیر

یا چو مردان اندر آی و گوی در میدان فکن

(دیوان اشعار سنایی، ص ۴۸۴).

هرگاه عرفا بخواهند درباره رنگ در معنای امروزی اش سخن بگویند غالباً واژه نور را موصوف قرار می‌دهند. و یا صفت‌هایی چون سفید سرخ، کبود، سیاه و امثال آن همراه می‌کنند.

در درون خود بیفزادرد را / تا بینی سرخ و سبز و زرد را

کی بینی سبز و سرخ و بور را

تا بینی پیش از این سه نور را (مثنوی ۱۱۲۲/۱-۱۱۲۶). با این تفاسیر رنگ جز لاینفک فرق مختلف عرفا و تصوف بود. هر رنگ سمبل و نشانگر گرایش‌های فکری و مذهبی و عقیدتی متعدد بوده و مفاهیم معنوی و عرفانی عمیقی را در خود گنجانده و افشا

نموده است.

## ۲۲-۱- نور سفید:





در دیدگاه عرفا سرسلسله و منشاء همه طیف‌های نوری، نور سفید است که به نوعی همان نورالانوار است. و طیف‌های مختلف رنگین که پرتوهایی از وجودند از آن منشعب می‌شود (اورادالالباب ص ۳۵).  
 عرفا این رنگ را منتسب به خدا می‌دانند. چنان که ذالنون مصری می‌گفت: در بادیه زنگی ای دیدم سیاه هر گاه که الله گفتی، سپید شدی " (نفحات الانس، ۱۳۸۳: ص ۳۳).

بیشترین کارکرد نور سفید همانند همه طیف‌های رنگی، در سمبولیسم رنگ خرقه‌های صوفیان تجلی می‌یابد. خرقه رمز هویت صوفی است. پس روشن‌ترین سند برای نمایش و معرفی حالات و مقام هر صوفی است رنگ خرقه سه رنگ سیاه و سفید و ملمع بوده که به گفته ابن جوزی مایه شهرت و شهوت بوده که این رنگ‌ها و تنوع‌طلبی در قرن‌های بعد در رنگ خرقه افزایش یافته است (تعلیقات اسرارالتوحید، ۱۳۶۷: ص ۴۶۲).

### نکته مورد توجه

این جاست که هر گاه پیر تشخیص دهد که رنگ خرقه با تجربه یکسان نیست او را از پوشیدن نهی کرده و رنگی متناسب با آن حال و وقت می‌پوشاند، زیرا به اعتقاد آنان، رنگ خرقه مبین حالات و مقامات سالکان است. (اورادالالباب، ۱۳۴۵: ص ۳۰).

### ۲-۲- نور سیاه

بی‌شک رمزناک‌ترین رنگ‌ها در نزد صوفیه، رنگ سیاه است. به گونه‌ای که در معنای ایجابی رنگی از رنگ‌های خداست که بر روی ابلیس نشسته است. (تمهیدات، ۱۳۵۵، ص ۱۱۹).

و گاه در معنای سلبی، رمزی از کفر و شرک (اورادالاحباب، ۱۳۴۵: ص ۴۱).

یا ظلمت و گناه نفحات الانس، ۱۳۸۲: ص ۲۹۸، و رسائل خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۴۹: ص ۵۱).

و نماد آرزوهای نفسانی (دفتر روشنایی، ۱۳۸۴: ص ۶۵-۶۶).

و گاه نماد کثرات و تعینات است. (مفاتیح الاعجاز، ۱۳۳۷: ص ۹۶).

در برخی تعبیر صوفیه، از "فنا فی الله" با عنوان "موت الاسود" نام برده شده است. مرگ سیاه تحمل آزار از خلق است زیرا در نفس خود از آن باکی ندارد بلکه از آن لذت می‌برد زیرا محبوبش را می‌بیند... مرد با مرگ سیاه؛ یعنی در خدا فنا شد. (شرح منازل السائرين، ۱۳۷۳: ص ۱۶۸).

از جلوه‌های نمادین رنگ سیاه، سخنانی است که عرفا در باب "خال سیاه" بیان داشته‌اند. دکتر شفیع در تعلیقات اسرارالتوحید به صورت مبسوط به برداشت‌های عرفا از آن اشاره داشته است. (مجموعه آثار شبستری، ۱۳۶۵: ص ۱۰۰).

در سمبولیسم رنگ خرقه نیز، نور سیاه از جایگاه قابل توجهی برخوردار است و همچون نور سفید حالت و مقامی در نزد صوفیان دارد از منظر آنان سیاهی رمز حسن است و اگر کسی به جای جامه سپید، برخلاف مناسبت حال خود سیاه بپوشد نه تنها قض و حزن، مستولی می‌شود، به مالیخولیا و دیوانگی دچار می‌شود (اورد الاحباب، ۱۳۴۵: ص ۳۸).



## نور کبود

### ۲۲-۳- نور کبود (ازرق):

این نور در عالم عرفان، بیشتر در سمبولیسم رنگ خرفه کاربرد دارد و از نخستین رنگ‌هایی است که خرفه صوفیان بدان متصف بوده است. هجویری نیز سمبولیسم چنین رنگی را دو چیز دانسته است یکی ماندگاری و دیر چرک تابی این رنگ برای صوفیانی که بیشتر اهل سفرند؛ چرا که فرصت شستشو ندارند و اغلب با پوشیدن خرفه خیس کوشیده‌اند آن را در همان حالت پوشیده خشک کنند. و روشن است خرفه‌ای که از پشم است وقتی خیس شود تا چه اندازه پوشیدن و تحمل سنگینی آن دشوار است چنان که در تلبیس ابلیس این قضیه یکی از آسیب‌های صوفیه خوانده شده است (رساله قشریه، ص ۷۲ و تلبیس ابلیس، به نقل از نیکوبخت، قاسم زاده، ۱، ۱۳۸۷: ۲۰۳).

دیگر این که کبود پوشیدن شعار اصحاب فوات و مصیبات است و جامه اندهگنان و دنیا دار محنت است و ویرانه مصیبت ... (کشف المحجوب، ۱۳۸۴: ص ۷۲).

از دیدگاه متصوفه این رنگ نماد رهایی از بدایت سلوک است. رنگ کبود یا ازرق که متوسط میان سفید و سیاه است برای کسانی که از ظلمت طبیعت، به واسطه توبه و سلوک، قدم بیرون نهاده‌اند ولی به نور دل و توحید هنوز نرسیده‌اند ایشان رنگ کبود پوشند (مصباح الهدایه، ۱۳۸۲: ص ۱۵۱-۱۵۲).

با خزری در اوراد الاحباب آورده است:

جامه ازرق کسی را مسلم است که مراد خود را ترک کند و از نفس خود روی بگرداند و اشغال دنیا را از پیش خود بردارد، پس بهترین الوان جامه درویش، ازرق است و این لون مناسب‌تر است (همان، ص ۳۱).

نجم‌الدین دایه این رنگ را حاصل گذر روح از وادی امارگی به لوامگی شمرده است: چنان که در مقام لوامگی، نفس نوری، ازرق تولد کند (مرصادالعباد، ۱۳۸۳: ص ۳۰۶).

### ۲۲-۴- نور سرخ:

این رنگ با قرار گرفتن در کانون توجه عرفا، معانی نمادین ویژه‌ای دارد، به دلیل شباهت این رنگ باخون که مایه حیات است، رمز شادابی و زندگی است. و به این دلیل آن را گاه رمز شهادت دانسته‌اند. (مثنوی یوسف و زلیخا، ص ۲۰۹).

افلاکی در مناقب العارفين درباره این رنگ و معنای نمادین آن آورده: [فرمود مولوی] که در خواب جامه سرخ پوشیدن یا سرخی دیدن عیش است و فرح.

از دیدگاه عرفا سرخی محصول ترکیب نور سفید و سیاه است؛ چنان که سهروردی در داستان رمزی عقل سرخ، سرخی روی عقل را از زبان "عقل سرخ" رمزگشایی می‌کند (مصنقات، ۱۳۷۲: ص ۲۲۸).



همچنین در رساله قشریه ص ۴۳ آمده مخالفت باهوی و مرحله عمل را "موت الاحمر" نامیده‌اند (نیکوبخت، قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۲۰۶).

## ۲۲-۵- نور سبز:

اولین مفهوم سمبولیک رنگ سبز از نگاه عرفا، که از بن مایه‌های قرآنی و دینی برخوردار است، قدسیت و قداست آن است. چنان که اغلب عرفا در توصیف جهان برین آن را به رنگ سبز توصیف می‌کنند (دفتر روشنائی، ۱۳۸۴: ص ۲۰۷). در عقیده صوفیه مرقع‌داری رمز "موت الاخضر" (رساله قشریه، ص ۴۳) است. مرگ سبز، پوشیدن خرقه به هم بافته‌ای است که به زمین انداخته شده است و ارزشی ندارد. پس هرگاه از لباس زیبا به آن بسنده کرد و به آنچه بدن عریانش را بپوشید و نماز در آن صحیح باشد اکتفا نمود با مرگ سبز مرده است (اصطلاحات صوفیه، ۱۳۷۶: ص ۱۹۱). به نقل از نیکوبخت، قاسم زاده، ۱، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

## ۲۲-۶- نور زرد:

این نور از کم بسامدترین نورها در سمبولیسم رنگ‌های عرفانی است؛ اما در جهان متناقض نمای عرفانی، این رنگ با رویکردی دوگانه، متأثر از فرهنگ قرآنی، بار معنایی مثبت و گاه متأثر از دلالت‌های طبعی و طبیعی بار معنایی منفی دارد، چنان که در جمله باختری به خوبی نمایان است "و رنگ صفت دلیل ضعف حال و مبادی سرور و بسط است." (اوراد الاحباب، ۱۳۴۵: ص ۳۹۴).

صوفیه رنگ زرد را رمز غلبگی نور روح (مرصاد العباد، ۱۳۸۳: ص ۳۰۶) و آن را دنباله نور سرخ می‌داند (همان ص ۳۰۶ و مجموعه آثار شبستری، ۱۳۶۵: ص ۳۹۴).

مولانا زردی صورت را برای عاشق بهترین رنگ می‌داند:

الله الله گردد دریا بار گرد

گرچه باشد اهل دریا بار زرد

تا که آید لطف بخشایش گری

سرخ گردد روی زرد از گوهری

زردی رو بهترین رنگ‌هاست

زان که اندر انتظار آن لقاست

(مثنوی، ۵، ۱۳۷۹: ۵، ۳۶۲۹-۳۶۳۱).



بسیاری از صوفیان گرایش‌ها و تعلقات و تمایلات شان از رنگ، پوشش، جامه و ابیات و آثار ادبی دوره زیست شان، قابل بررسی و رمزگشایی است.

گاه نور زرد نماد کمال است؛ چنان که مولانا در ابیات زیر آن را بر رنگ سبز ترجیح داده و زردی را نماد پختگی، و سبزی را با تأثر از طبیعت نشانه خامی دانسته است.

زین درخت آن برگ زردش را مبین

سیب‌های پخته او را بچین

برگ‌های زرد او خود کی تهی است

این نشان پختگی و کاملی است

برگ زرد ریش و آن موی سپید

بهر عقل پخته می‌ارد نوید

برگ‌های نورسیده سبز فام

شد نشان هُن که میوه هست خام

برگ بی برگ‌گی نشان عارفی است

زردی زر، سرخ رویی صارفی است

مثنوی، ۴، ۱۳۷۹: ۲۰۵۲-۲۰۵۶)

در این ابیات حضرت مولانا به زیبایی رازگشایی‌های جالبی از رنگ‌ها و مصداق‌های شان می‌آورد. در بسیاری از آثار عرفانی، رنگ، شناسنامه و هویت برخی عرفا و صوفیان محسوب شده، و افشاکننده بسیاری از افکار و عقایدشان بود.

### ۲۳- نمونه‌هایی از آثار پیشوایان سمبولیست‌ها:

ای مرگ، ای ناخدای پیر، وقت است! لنگر برداریم! این کشور ما را ملول کرده است. ای مرگ! ساز سفر کن! اگر آسمان و دریا مانند مرکب سیاه است، دل‌های ما چنان که می‌دانی، پر از روشنی است!

زهر خود را در جام ما بریز تا شفا یابیم. می‌خواهیم تا این آتش دماغ ما را می‌سوزاند در غرقاب فرو برویم. دوزخ و بهشت نزد ما یکسان است. می‌خواهیم در قمر مجهول غوطه‌ور شویم مگر آنجا تازه‌ای بیایم. از "گل‌های شر" (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۵۷۱).

### ۲۴- آهنگ کلام و هیجان و کاربرد نماد در فن بیان:



شعراى سمبولیستی معتقد بودند که شعر باید از راه آهنگ کلمات، حالات روحی و احساساتی که امکان بیان مستقیم آنها نیست به خواننده یا شنونده القا کند. بدین ترتیب برای شعر مقامی مشابه و هم شان با موسیقی قائل بودند. هم چنین به زعم این شعرا، استفاده از نماد موجب می شود که شعر و اثر سمبولیستی را هر کس بنابه درک و احساس خود بفهمد شاعران سمبولیست، حالات اندوه بار و مناظر نگران کننده و ترسناک را موضوع اشعار خود قرار دادند. (داد، ۱۳۹۲: ۲۹۵)

## ۲۵- نتیجه گیری:

با توجه به مباحث مطرح شده در مورد سمبولیسم به جمع بندی از ویژگی های سمبول و نماد و انواع سمبولیسم و حضورش در عرفان و سنت و... می پردازم:

- ۱- شناخت سمبول غیرمستقیم است.
- ۲- سمبول رمز و رازی است از واقعیت فراصوری که در قالب صورت ظهور یافته است.
- ۳- برای درک سمبول باید به کار کرد کشف و احتجاب روی آورد. هم پوشش می دهد و هم هویدا و آشکار می کند.
- ۴- سمبولیسم، زبان متفاوتیک است. باید چون حکیمانی که به عقل شهودی دست یافتند، حقایق را با چشم در دید و سمبلیک بیان و بازگو کرد.
- ۵- سمبولیسم با صور خیال و احساس و عاطفه که از ابزار و ادوات شعر و هنر است، کامل متفاوت است.
- ۶- بحث نور و معانی گوناگون رنگ در عرفان و نزد صوفیه از نکات مورد تأمل در این مقاله است. عرفا نور سفید را منبع همه نورها و نور سیاه را مجمع همه رنگ ها می دانند. نور سفید و سیاه از پربسامدترین نورها و در مرحله بعدی نور سرخ از ظرفیت نمادین بیشتری برخوردار است. کم بسامدترین و نمادگراترین طیف نوری، مربوط به رنگ زرد و سبز است. بسامدترین و نمادگراترین طیف نوری، مربوط به رنگ زرد و سبز است.
- ۷- نماد باعث می شود شعر دیرپاب شود و همگان توانایی درک و دریافت آن را نداشته و به راحتی نتوانند به محدوده و اندیشه شاعر نمادگرا راه یابند. نماد مانعی برای مخاطبان سطحی نگر هست. شعرهای نمادین، چندوجهی و تأمل برانگیز و تأویل پذیر است و همین نکات باعث ماندگاری شعر نمادین می شوند.
- ۸- سنت گرای حقیقتی ازلی و ابدی است و سمبول را از واژگان کلیدی، افراد سنت گرا می توان محسوب کرد.



### فهرست منابع:

- جامی، عبدالرحمن، ۱۳۷۷، منظومه یوسف و زلیخا به اهتمام دکتر ناصر نیکوبخت، چاپ اول، تهران.
- سنایی غزنوی، مجدودبن آدم، (۱۳۶۲)، دیوان اشعار، به اهتمام مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران، سنایی.
- انصاری، خواجه عبدالله، (۱۳۴۹)، رسایل الجامع، تصحیح چند دستگردی، چاپ سوم، تهران، فروغی.
- سهروردی، شهاب الدین یحیی، (۱۳۷۲)، مصنفات، تصحیح و مقدمه هنری کرین، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران.
- زمانی، کریم، (۱۳۷۹)، شرح جامع مثنوی معنوی، چاپ هفتم، تهران، اطلاعات.
- کزازی، میرجلال الدین، (۱۳۷۶)، پرنیان پندار، چاپ نخست، تهران، روزبه.
- مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۶۳)، کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۶)، بلاغت تصویر، چاپ اول، تهران، سخن.
- فروم اریک، (۱۳۴۹). زبان از یاد رفته، ترجمه ابراهیم امانت، تهران، انتشارات مروارید.
- سید حسینی، رضا، (۱۳۸۷). ج ۲. مکتب‌های ادبی. چاپ چهاردهم، تهران نگاه.
- داد سیما، (۱۳۹۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ ششم، مروارید، تهران.
- محمدبن منور، (۱۳۶۷) اسرار التوحید، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم، آگاه، تهران.
- شاملو، احمد (۱۳۸۲)، مجموعه آثار شاملو: دفتر یکم، چاپ چهاردهم، تهران: نگاه.
- پاک طینت، حشمت الله، (۱۳۹۵). سمبولیسم اجتماعی در شعر نیما یوشیج، گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی ایران. (۱۸۵۷-۱۸۸۸)
- شمیسا، سیروس حسین پور علی، (۱۳۸۰). جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر ایران، مدرس شماره ۵ (۳): ۲۷-۴۲.
- وحید دستجردی، امیرحسین، بنیای مطلق، سعید شاقول، یوسف، (۱۳۹۸). سمبولیسم از منظر سنت گرایان جاویدان هنر، شماره ۳۵: ۱۸۵-۲۰۸.
- جعفری، فرشته، عامری، محسن، (۱۳۹۵). سمبولیسم در ادب عرفانی، همایش بین‌المللی شرق شناسی و مطالعات ایرانی علیگره‌ها، ۱-۱۲.
- نیکوبخت ناصر، قاسم‌زاده سیدعلی، (۱۳۸۷). سمبولیسم نور و رنگ در عرفان ایرانی اسلامی مطالعات عرفانی، ۸، ۱۸۳-۲۱۲.
- باخرزی، ابوالمفاخر یحیی، (۱۳۴۵). اوراد الاحباب و فصوص الآداب، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران.
- همدانی، عین القضاة، تمهیدات، مقدمه و تصحیح عقیف عیران، چاپ دوم، منوچهری، تهران، بی تا.
- سهلگی، محمدبن علی، (۱۳۸۴). دفتر روشنایی، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ اول، سخن، تهران.



- کاشانی، عبدالرزاق، (۱۳۷۳). شرح منازل السائرين خواجه عبدالله انصاری، چاپ اول، الزهراء، تهران.
- هجویری، علی بن عثمانی، (۱۳۸۴). کشف المحجوب، مقدمه و تصحیح محمود عابدی، چاپ دوم، سروش، تهران.
- شبستری، شیخ محمود، (۱۳۶۵). مجموعه آثار، مقدمه و تصحیح صمد موحد، چاپ اول، طهوری، تهران.
- رازی، نجم الدین، (۱۳۸۳). مرصاد العباد، تصحیح محمدامین ریاحی، چاپ اول، علمی و فرهنگی، تهران.
- کاشانی، عزالدین محمود، (۱۳۸۱). مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، مقدمه و تصحیح جلال الدین همایی، چاپ ششم، هما، تهران.
- لاهیجی، محمد محمودی، (۱۳۳۷). مفاتیح و الاعجاز فی شرح گلشن راز، تهران.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان، (۱۳۸۲). نفحات الانس من حضرات القدس، تصحیح محمود عابدی، چاپ چهارم، اطلاعات، تهران.
- سایت عکاسی معاصر، آشنایی با سبک‌های هنری سمبولیسم ۱/۲/۱۳۸۵. <http://www.akkasee.com/article/1385>
- سایت بیتوته آشنایی با سبک نمادگرایی (سمبولیسم). <http://www.beytoote.com/art/music-cinema/understanding3-symbolism2-style.html?m=1>
- سایت رادیو فرهنگ، سردبیر مینا خاندانی ها ۱۳۹۶/۶/۲۲.
- مکاتب ادبی جهان، سمبولیسم <http://www.radiofarhang.ir/NewsDetails/?m=060001&n=117816>
- سایت بلگفا، ساره، چهاردهم دی ماه ۱۳۹۲، مکتب‌های ادبی جهان - سمبولیسم، قسمت نهم. <http://sareh110.blogfa.com/post/57>
- <https://tehrantarjomeh.com/what-is-symbolism-in-literature>
- سایت تهران ترجمه. سمبولیسم در ادبیات چیست؟ و چگونه از آن در نوشتار استفاده کنیم. [www.vso1.com](http://www.vso1.com) دسامبر ۲۰۲۲